

پیام به کمونیست ها ، نیروهای چپ رادیکال و انقلابی

کمونیست ها و نیروهای چپ رادیکال و انقلابی تاکید نمود. ما بر این باوریم که در شرایط بالنسبه مساعد کنونی، کمونیست ها ، چپ های رادیکال و نیروهای واقعا "انقلابی، میتوانند حول چند نقطه اشتراک اصلی و حول یک پلاتفرم رادیکال و انقلابی دست به تشکیل یک ائتلاف سیاسی پایدار بزنند و یک قطب چپ انقلابی ایجاد کنند. این نقاط اشتراک که وجه ممیزه چپ های رادیکال و انقلابی است، در عین حال آن را از کلیه رفرمیستها و مدافعان رنگارنگ نظم حاکم متمایز می سازد. همه نیروهائی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی، در هم شکستن دستگاه دولتی و ایجاد دولتی از طراز نوین، از طراز کمون و شوراهای باشند، می توانند و باید برای ایجاد یک چنین قطب و بلوک چپی پا پیش بگذارند. ما همه گروهها، احزاب و سازمانهائی را که بر این مبنا چپ رادیکال و انقلابی محسوب میشوند، به برپائی چنین ائتلافی دعوت میکنیم. چنین نیروهائی اگر که بطور واقعی در قبال جنبش کارگران و زحمتکشان و خیزشهای توده ای بویژه کسب قدرت سیاسی توسط آنها احساس مسئولیت نمایند، می توانند و باید بر پایه این اشتراکات دست به یک ائتلاف سیاسی بزنند، حول یک پلاتفرم رادیکال و مستقل گردآیند و با ایجاد یک بلوک چپ انقلابی، مستقلا وارد میدان شوند و در جنبش کارگران و زحمتکشان، نقشی فعال و دخالت گرایانند.

تکان تیرماه، مقدمه تکانها و انفجارهای بزرگتری است. برای این تکانها و انفجارهای بزرگتر، برای تکان ها و انفجارهائی از نوع انفجار ۵۷، باید آماده شد. غفلت دو باره را، تاریخ بر ما کمونیست ها و نیروهای چپ رادیکال و انقلابی هرگز نخواهد بخشید!

زنده باد اتحاد نیروهای چپ کمونیست و رادیکال!
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!
شرکت کنندگان در هفتمین کنفرانس سازمان
فدائیان (اقلیت)
مرداد ۱۳۷۸

گزیده ای از نامه های رسیده

دچار اختلالات روحی و جسمی شده بودند به دارآویخت. . . جمهوری اسلامی این بارچنان وحشت کرده است که محمد اقبالی کازرونی را که دچار بحران روحی است بعنوان یکی از عواملان شورشهای اخیر معرفی میکند. آنان در حقیقت میخواهند با به پا کردن شوتلویزیونی برای او و یا اعدامش، خط و نشان برای مردم بجان آمده و زندانیان سیاسی سابق بکشند. این اقدام ضد بشری بن بست رژیم راحتی در عرصه امنیتی نشان میدهد. "امضای کنندگان نامه در انتهای نامه خود خواستار افشای سیاست های جنایتکارانه رژیم، دفاع از محمد اقبالی و تمام زندانیان سیاسی ایران و دستگیری شدگان اخیر شده اند. ما نیز همصدا باین رفق، پی گرد و دستگیری زندانیان سیاسی سابق و نیز سایر اقدامات جنایت کارانه رژیم علیه زندانیان سیاسی را قویا" محکوم میکنیم و خواستار آزادی فوری محمد اقبالی کازرونی و سایر زندانیان سیاسی هستیم!

فقط اینها با مرجع ترین جناح حکومتی همراهی کنند و به صف اعاده کنندگان "نظم" و "امنیت" به زور تفنگ و سرنیزه ملحق شوند، بلکه این تکان، دردل برخی نیروهای اپوزیسیون، مرددین و حتی آنانکه خود را چپ و انقلابی هم میخوانند تزلزل انداخت و بعبارت درست تر، به تزلزلات درونی آنان میدان و امکان بروز داد تا آنجا که بعضی حتی تا حد مدافعان برگزاری "رفراندوم" در حکومت اسلامی نیز سقوط کردند. حقیقت آن است که اوضاع جامعه بسیار حساس و آستان تحولات است. در یک چنین شرایطی تضادها نیز به ناگزیر قطبی ترو صف بندی های طبقاتی نیز شفاف تر میشود. جناح های مختلف بورژوازی و ملحقان آن، از مدت ها قبل نگران وخیم تر شدن اوضاع و تشدید بحران اند و برای حل این معضلات، راه حلهای خود را ارائه میدهند. راه حلهائی که تاکنون نیز بارها آزمایش شده و امتحان خود را پس داده اند و اساسا" بر تشدید سرکوب و استثمار کارگران و زحمتکشان و تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی متکی است. بنا بر این روشن است که مستقل از اراده و خواست بورژوازی، تضادهای ذاتی و ساختاری حکومت اسلامی و بحران سیاسی و اقتصادی تشدید میشود و وضعیت رژیم از این هم وخیم تر میشود. این وضعیت اما نمیتواند الی غیرالنهایی ادامه داشته باشد. پی آمد این وضعیت، انفجار قیام توده ای است. تجربه جنبش اعتراضی و گسترده تیرماه، بار دیگر این حقیقت را نشان داد که کارگران و زحمتکشان و توده مردم جمهوری اسلامی را نمی خواهند. آنان نه حول شعار "رفراندوم" یا شعارهای عوام فریبانه ای که بورژوازی و دنباله روان آن میخواهند آن را در دهان مردم بگذارند، بلکه حول رادیکال ترین شعارها متشکل می شوند، و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و حل قطعی بحران، بار دیگر بپای می خیزند.

نخستین شرط پیروزی این قیام و خیزش توده ای اما، استقلال آن از جریانات بورژوازی و سازشکار است. در این نبرد سرنوشت ساز، تنها نیروهای مدافع کارگران و زحمتکشان که می خواهند به شیوه ای رادیکال و انقلابی یعنی به شیوه خود کارگران و توده مردم بحران موجود راحل کنند، ظرفیت نمایندگی این خیزش رادیکال را دارند و از همینرو فقط مجاز نیستند دست روی دست بگذارند، بلکه میبایستی هرچه فوری تر پروسه مداخله جمعی و آگاهانه در این مصاف تاریخی را آغاز کنند. ولو آنکه شرایط جامعه تا بدین حد هم حساس و حاد نمی بود، باز هم این وظیفه کمونیستها، نیروهای چپ رادیکال و انقلابی بود تا به صفوف خویش نظم و اتحاد ببخشند. اما اکنون این مسئله برای همه کمونیست ها و چپها، اگر نخواهند تماشاچی قضایا باشند، به ضرورتی اجتناب ناپذیر تبدیل شده است.

واقعیت این است که، چپ کمونیست، چپ رادیکال و انقلابی، از یک پایگاه توده ای وسیع و قدرتمند برخوردار است. این، نقطه قوت بزرگ چپ است. نقطه ضعف بزرگ چپ اما پراکندگی آن است. چپ باید راهی پیدا کند تا بتواند به مثابه یک قطب نیرومند، متشکل و مستقل وارد میدان شود. کنفرانس هفتم سازمان ما، طبق ارزیابی از اوضاع سیاسی و اقتصادی و چشم انداز تحولات آتی، به درستی بر مسئله ضرورت اتحاد و ائتلاف

بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی که جمهوری اسلامی چند سال با آن دست به گریبان است، اکنون به مراحل بسیار حاد و انفجار آمیزی رسیده است. سر تا پای دستگاه حکومتی رابحران سیاسی ژرف و وخیمی فرا گرفته است که روز به روز تشدید میشود. منازعات و کشمکش های درونی دستگاه حاکمه و تعمیق بحران حکومتی، جمهوری اسلامی را از هر وقت نزدیکتر آسیب پذیرتر ساخته و آنرا به آستانه فروپاشی نزدیک تر ساخته است. کوشش های رژیم و سیاستهای آن برای برون رفت از این بحرانها، بجائی نرسیده و در تمامی عرصه ها با شکست و ناکامی روبرو شده است. این درحالی است که تشدید فشارهای سیاسی و اقتصادی، جان توده های مردم زحمتکش را به لب رسانده و بر متن همین بحران ژرف و همه جانبه، تلاطمات اولیه در بطن جامعه در حال تکوین است. ناراضیاتی عمیق کارگران و زحمتکشان و عموم توده های مردم از وضعیت موجود، بیش از پیش تشدید شده است و خوددراشکال علنی مخالفت و مبارزه با رژیم بازتاب میدهد. در یک کلام، جامعه به آستانه یک انفجار بزرگ نزدیک تر شده است. اقدامات سرکوب گرانه و از سر استیصال رژیم، کشتارها، آدم ربائیها، به آتش کشیدن ها و سایر اقدامات جنایت کارانه آن، به قصد ایجاد فضای ترور و وحشت و برای مرعوب ساختن توده های مردمی که دیگر نمی خواهند این رژیم را تحمل کنند، نه فقط مفری برای ارتجاع حاکم نساخته است بلکه این اقدامات که بخشا" بازتابی از بحران فروپاشی حکومت اسلامی است، عملا" بحران حکومتی را تشدید کرده است. پروژه خلتی و نسخه "اصلاح گرایان" طرفداروی هم که آخرین شانس نجات رژیم محسوب می شد و تاریخ مصرفش به فوریت به سر آمد، جز تشدید بحران و تسریع روند سقوط و سرنگونی رژیم، خاصیت دیگری نداشته است. مطالبات سیاسی و اقتصادی کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار زحمتکش مردم همچنان بلا جواب مانده است.

مجموعه شرایط و اوضاع متلاطم جامعه، بروشنی شکل گیری و اعتلا جنبش های اعتراضی سراسری توده ای را نوید میدهد. جنبش اعتراضی دانشجویان که به سرعت برق خیابانی شد و به یک جنبش اعتراضی رادیکال توده ای علیه رژیم فراروید، آشکارا حجم و کیمیت بالای خشم و ناراضیاتی تراکم یافته توده ای و درجه آماجگی انفجار جامعه را نشان داد. این جنبش، مقدمه و مدخلی است بر جنبشهای اعتراضی وسیعتر. امروز دیگر حتی سران رژیم هم میدانند که هرچرقه ای سریعاً می تواند به اشتعال کشیده شود و سرتاسر کشور را فرا بگیرد.

چشم انداز تحولات آتی، وظائف و تلاش میرمی را در دستور کار کمونیست ها و همه نیروهای واقعا" چپ و انقلابی قرار میدهد. جنبش اعتراضی اخیر، یکباردیگر این حقیقت مسلم را به اثبات رساند که همه جناحهای بورژوازی و به ظاهر آزادیخواهان، در حفظ نظام حاکم ذینفعند و همینکه توده مردم برای تغییر اوضاع بپای می خیزد و به مبارزه ای قاطع دست می زند، تماما" در برابر آن به صف میشوند و متفقا" آن را میکوبند. اگر مدتها طول میکشد تا دوستان دروغین مردم و طرفداران قلبی آزادیهای سیاسی بطور همه جانبه افشای و رسوا شوند، اما تکانی در بطن جامعه کافی بود تا نه